

ظاهر شدن غیرمسلمان در حال مستی در معابر و اماکن عمومی در حقوق ایران*

ابوالحسن شاکری**

محمد حسن مالدار***

چکیده

یکی از جرایم موجود در فقه کیفری شیعه، جرم «ظاهر شدن غیرمسلمان در حال مستی در معابر و اماکن عمومی» است. جرم مورد بحث، برای نخستین بار، با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به نظام حقوقی ایران راه یافته است. با این حال، قانون نسبت به شرح و بسط شرایط تحقق این جرم ساکت است. طبق یافته‌های پژوهش، «در حال مستی» یا به تعبیری مستی قوی و آشکار، حالتی بین مستی ضعیف و مسلوب-الاختیاری است. در این حالت، مرتکب، رفتارهای مستانه را از خود بروز می‌دهد، لیکن وی، نسبت به رفتارهای خود، آگاه و متوجه است. همچنین این جرم با صرف ظاهر شدن غیرمسلمان در مکان و معبر عمومی، تحقق می‌یابد، لذا نیازی به دیده شدن توسط دیگری وجود ندارد. در رابطه با جرم مورد بحث، مقنن به خلاف نظر مشهور مبنی بر تعیین کیفر حدی، مجازات تعزیری را برای آن برگزیده است. این عدول عامدانه از مجازات حدی و گزینش فتاوی غیرمشهور در این زمینه و برخی دیگر از مواد باب حدود، ناشی از کاربست «سیاست کاهش اجرای کیفرهای حدی» است. بدین لحاظ که مقنن هم‌زمان در چارچوب اصل چهارم قانون اساسی و نیز پذیرش واقعیت‌های غیرقابل اغماض جهان معاصر، درصدد کاهش اجرای کیفرهای حدی برآمده است.

کلید واژه‌ها: مستی آشکار، غیرمسلمان، حقوق اقلیت‌ها، کاهش اجرای حدود، سیاست کیفری افتراقی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۸/۱۲- تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶- نوع مقاله: علمی، ترویجی.

** استاد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه مازندران/

Shakeri_criminallaw@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد/

soheilmaldar@gmail.com



مقدمه

سیاست کیفری اسلام مجموعه متنوعی از واکنش‌های کیفری را در برابر رفتار مجرمانه تجویز کرده است. یکی از گونه واکنش‌های کیفری، «مجازات‌های حدی» هستند. مجازات‌های حدی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، با تصویب قانون حدود و قصاص در سال ۱۳۶۱ وارد نظام کیفری ایران شد، تا به امروز که آخرین اراده قانونگذار، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است، دستخوش تغییرات و تحولات کمی و کیفی متعددی شده است. یکی از جرایمی که برای نخستین بار قانونگذار آن را به طور مستقل در باب حدود جرم‌انگاری کرده است، جرم «ظاهرشدن غیرمسلمان در حال مستی در معاشر و اماکن عمومی» است.

بررسی این جرم از چند جهت اهمیت دارد:

اولاً یکی از بحث‌های مطرح در تمام کشورهای دنیا، به خصوص در شرایط کنونی و تولد مفاهیمی چون حقوق بشر، موضوع حقوق اقلیت‌هاست، لذا توجه به حقوق و تکالیف آن‌ها لازم است.

ثانیاً مقنن تعریفی از حالت «در حال مستی» ارائه نکرده است. ساده‌انگارانه است که اگر برای تأثیر میزان الکل بر مرتکب حالات مختلفی در نظر گرفته نشود؛ همان طور که درجه‌بندی مستی، با استناد به عرف و داده‌های علم پزشکی نیز قابل اثبات است. این عدم توجه قانونگذار موجب تضییع حقوق غیرمسلمانان مرتکب جرایم یکسان است، زیرا احتمال این وجود دارد که هر دادرسی بنا بر آنچه خود استنباط می‌کند، اقدام به صدور رأی کند. این تالی، عدالت قضایی را مخدوش ساخته و منجر به تشتت آراء در این زمینه می‌شود.

در رابطه با جرم مذکور، سؤالات مختلفی قابل مطرح است. برای مثال:

- اگر غیرمسلمان پس از نوشیدن مسکر در معاشر یا اماکن عمومی ظاهر شود، می‌توان تحقق جرم ظاهرشدن در حال مستی در معاشر یا اماکن عمومی، را محقق دانست؟

- آیا صرف ظاهرشدن در حال مستی در خیابان خلوت، کافی برای تحقق این جرم است؟ یا وی بایستی توسط فرد مسلمانی دیده شود؟



افزون بر این، تعیین کیفر تعزیری برای جرمی که به ادعای برخی، اجماع فقهای شیعه بر مجازات حدی برای مرتکب آن، اتفاق نظر دارند (فتحی، ۱۳۹۶: ۱۴۶)، قابل تأمل است، زیرا بایستی این مسئله مورد کاوش قرار گیرد که جایگزینی تعزیر به جای حد از جانب قانونگذار، عامدانه است یا قاصرانه؟ شاید بررسی دیگر مواد قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در باب حدود، به ما در یافتن پاسخ پرسش اخیر کمک کند.

پژوهش پیش‌رو برای حل چالش‌های فوق و نظیر این‌ها در سه بخش به رشته تحریر درآمده است؛ در بخش نخست با عنوان «سیاست کیفری اسلام در قبال جرایم ناشی از مصرف مسکر توسط غیرمسلمانان»، این مسئله مورد تأکید قرار گرفته است که رویکرد اسلام نسبت به مصرف مسکر توسط غیرمسلمانان، جلوه‌ای از جمع میان حقوق اقلیت و اکثریت است. در بخش دوم، با عنوان «تحلیل عناصر سه‌گانه جرم ظاهرشدن غیرمسلمان در حال مستی در معابر و اماکن عمومی»، جرم مزبور از سه منظر عنصر قانونی، مادی و روانی و با فروض مختلف، بررسی شده است. در بخش آخر، با عنوان «مجازات جرم ظاهرشدن غیرمسلمان در حال مستی در معابر و اماکن عمومی در سیاست کیفری ایران»، عدول قانونگذار از نظر مشهور فقهای امامیه و برگزینی کیفر تعزیری برای جرم مذکور، مورد تحلیل قرار گرفته است.

۱. سیاست کیفری اسلام در قبال جرایم ناشی از مصرف مسکر توسط غیرمسلمانان

احترام به حقوق اقلیت‌ها و به عبارتی نادیده نگرفتن هنجارهای فرهنگی آنان، از موضوعات مورد توجه دین مبین اسلام است. همان‌طور که مستندات فقهی ناظر بر اقلیت‌های مذهبی، مثبت سخن اخیر است. برای مثال در روایتی از امام صادق (ع)، ایشان، حاکم را بین محاکمه زانی و زانیه غیرمسلمان و یا بازگرداندن آن‌ها به هم‌کیشان‌شان مخیر دانسته است. (عاملی، ۱۴۰۱: ۲۸/باب ۲۷/ حدیث ۱)



به علاوه حضرت (ع) در جای دیگر می‌فرمایند: «هر گروهی که به دینی معتقدند، احکام آن دین بر آن‌ها ثابت خواهد بود». (طوسی، ۱۳۹۰: ۴/۱۸۹)

در این رابطه، یکی از فقهای شیعه بیان می‌دارد:

حق آن‌ها (غیرمسلمانان) است که طبق شریعت خود عمل نمایند، اگرچه آن عمل، از نقطه نظر دین اسلام حرام باشد؛ مگر به آن عمل تجاهر کنند که در این حالت با توجه به دین اسلام با آنان برخورد می‌شود. (حلی، ۱۴۱۰: ۱، ۳۵۱)

همچنان که یکی دیگر از فقهای شیعه، غیرمسلمانی را که مرتکب عملی حلال در دین خود و حرام در دین اسلام می‌شود، در صورتی سزاوار کیفر می‌داند که وی به آن عمل تظاهر کرده باشد. (سبزواری، بی تا: ۱۵/۱۹۶)

با این حال، طبق نظر مشهور فقها، اسلام، شرط تکلیف نیست؛ یعنی غیرمسلمانان در سرزمین‌های اسلامی، مکلف به رعایت فروع دین هستند (موسوی، ۱۴۰۴: ۱/۱۴۸)، همچنان که عقل این سخن را تأیید می‌کند که نباید احترام به آداب و سنن گروهی، منجر به تضییع حقوق دیگران شود. به این معنا که رعایت حقوق تمامی شهروندان لازم است، لذا حقی نباید، حقوق بقیه را نقض کند. بر این اساس، غیرمسلمانان، حق مصرف مسکر در سرزمین‌های اسلامی را داشته و احدی از مسلمانان، حق بازخواست آن‌ها را ندارند، مگر در دو حالت:

۱. تظاهر به مصرف مسکر کنند؛

۲. در حال مستی در معابر و اماکن عمومی، ظاهر شوند. (حمزه طوسی، ۱۴۰۸:

۴۱۶/۱)

به این شکل که، در دو حالت اخیر، حاکم اسلامی حق برخورد با آن‌ها را با توجه به قوانین اسلامی دارد، زیرا لزوم احترام به اعتقادات، ارزش‌ها و باورهای مسلمانان، جلوگیری از هتک حرمت و وهن دین اسلام و نیز پیشگیری در رابطه با شکسته شدن هنجارهای اجتماعی و برقراری نظم واحد نسبت به همگان موجب می‌شود که جرایم مرتبط با مصرف مسکر توسط غیرمسلمانان جرم انگاری شود. به این معنا که



اباحه مصرف مسکر توسط غیرمسلمان تا جایی است که این رفتار وی منجر به جریحه‌دار شدن احساسات مسلمانان و یا برهم خوردن نظم عمومی نشود.

بدین لحاظ در صورت وقوع چنین نتایجی، قانونگذار نسبت به آن‌ها واکنش کیفری در نظر گرفته است. به نظر راقمین این سطور، سیاست کیفری افتراقی اسلام میان مسلمانان و غیرمسلمانان در رابطه با مصرف مسکر، جلوه‌ای از توجه شارع مقدس به حقوق اقلیت‌ها در سرزمین‌های اسلامی است؛ همان طور که این سیاست افتراقی، به رعایت حقوق اکثریت مسلمان نیز توجه دارد.

۲. تحلیل عناصر سه‌گانه جرم ظاهرشدن غیرمسلمان در حال مستی در معاشر و اماکن عمومی

در این قسمت، هر یک از عناصر سه‌گانه جرم مورد بحث به صورت جداگانه، مورد تشریح و توصیف قرار خواهد گرفت.

۲.۱. عنصر قانونی

قانونگذار در تبصره ماده ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ظاهرشدن غیرمسلمان در حال مستی در معاشر و اماکن عمومی را جرم‌انگاری کرده است. تبصره مشارالیه اذعان می‌دارد:

اگر مصرف مسکر توسط غیرمسلمان علنی نباشد، لیکن مرتکب در حال مستی در معاشر یا اماکن عمومی ظاهر شود به مجازات مقرر برای تظاهر به عمل حرام محکوم می‌گردد.

مجازات تظاهر به عمل حرام در ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ به این شرح، مقرر شده است:

هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معاشر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد، ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.



۲.۲. عنصر مادی

حقوق جزا پندار نکوهیده و قصد سوء را تا زمانی که از لحاظ مادی به ظهور نرسیده است، مجازات نمی‌کند. بنابراین برای اینکه رفتاری جرم تلقی شده و قابل مجازات باشد، پیدایش عنصر مادی ضرورت دارد (علی‌آبادی، ۱۳۸۵: ۵۶/۱) در عنصر مادی جرم مورد بحث، سه مولفه نقش اساسی ایفا می‌کند که عبارتند از: ۱. ظاهر شدن ۲. در حال مستی ۳. اماکن و معابر عمومی. در ادامه، هر یک از این‌ها در سه عنوان جداگانه تشریح شده است.

۲.۲.۱. ظاهر شدن

رفتار فیزیکی جرم مورد بحث که مقنن در تبصره ماده ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به صراحت از آن یاد کرده است، «ظاهر شدن» می‌باشد. ظاهر شدن در لغت به معنای آشکار شدن، هویدا شدن و نمایان گشتن است. (معین، ۱۳۹۱: ۶۸۰) از ظاهر ماده این مطلب به ذهن خواننده متبادر می‌گردد که صرف آشکار شدن در معابر یا اماکن عمومی بدون آنکه کسی وی را در حال مستی ببیند، منجر به تحقق جرم مورد نظر شود.^۱ از نظر نگارندگان، دو دلیل می‌تواند این برداشت از ماده را تقویت نماید؛ اولاً با استناد به اصل ظهور، آنچه در وهله اول پس از شنیدن لغت ظاهر شدن در ذهن مخاطب متبادر می‌شود، صرفاً پدیدار گشتن، بدون دیده شدن است.^۲

ثانیاً با تمکین نسبت به این مسئله که یکی از دلایل وضع چنین حکمی حمایت از عقاید و افکار مسلمانان و احترام به آن‌ها است و طبیعتاً تا زمانی که غیر مسلمان

۱. البته لازم به ذکر است با عنایت به تفسیر به نفع متهم و نیز اصل برائت، دیده شدن توسط دیگری، می‌تواند شرط لازم برای تحقق جرم مورد بحث تلقی شود.

۲. بنا بر این اصل، منظور گوینده باید از ظاهر عبارت فهمیده شود. «ظاهر» لفظی است که معنای لغوی آن به مجرد شنیده شدن، به ذهن متبادر شده و هر کس با لغت آشنایی داشته باشد، می‌تواند معنای آن را باز یابد (موسوی خمینی، ۱۳۸۷: ۴۶/۱)، زیرا شارع و قانونگذار نیز طبق عرف متداول مردم و جامعه سخن می‌گویند و انتظار این است که منظور و مقصودشان از ظاهر کلمات و جملاتی که استعمال کرده‌اند، فهمیده شود. (محقق داماد، ۱۳۶۲: ۴۵)



توسط مسلمانی دیده نشود، هیچ‌کدام از موارد اخیر مخدوش نشده است، لیکن باید توجه داشت یکی دیگر از علل تقنین این ماده تأمین نظم و امنیت و آسایش عمومی تمامی افراد جامعه است، در نتیجه برای جلوگیری از ارتکاب جرایم علیه آسایش و امنیت عمومی می‌بایست صرف ظاهرشدن غیرمسلمان در معاشر و اماکن عمومی را جرم و قابل تعقیب دانست. پس در این بزه، به خلاف تظاهر به مصرف مسکر توسط غیرمسلمان که دیده‌شدن توسط مسلمانی خود که خود حرمت مسکر نگاه می‌دارد، شرط تحقق آن می‌باشد (شاکری و مللدار، ۱۳۹۶: ۱۳۷)، لزوم دیده شدن شرط تکوین این جرم نیست. بنابراین اگر غیرمسلمانی در خیابان عاری از جمعیت در حال مستی ظاهر شود ولو آنکه توسط کسی دیده نشود، «ظاهرشدن» به وقوع پیوسته است.^۱

۲.۲.۲. در حال مستی

یکی از اوضاع و احوال لازم برای شکل‌گیری عنصر مادی و متعاقباً تحقق جرم مزبور، حالت «در حال مستی» غیرمسلمان است. از این رو در صورت فقدان چنین شرطی، این جرم تحقق نمی‌یابد. قانونگذار تعریفی از این مفهوم به عمل نیاورده است. به نظر می‌رسد اگر واژه‌ای حقیقت قانونی و شرعی نداشته باشد، ابتدا باید به عرف عام مراجعه کرد. (اردبیلی نجفی، بی تا: ۸/۴۰۳)

در این مسئله نیز اگر حقیقت عرفی نداشت و عرف خاصی در این زمینه وجود داشت، باید به عرف خاص مراجعه شود، چرا که مخاطب قانون عموم افراد جامعه است.^۲

۱. در این موضوع باید میان مقام ثبوت و مقام اثبات قائل به تفاوت شد؛ مقام ثبوت یعنی مقام شیء فی نفسه و مقام اثبات یعنی مقام شیء برای ما (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۷/۲۶۳)، از این رو، اگرچه هنگامی که وی توسط کسی دیده نشود جرم مذکور قابل اثبات نیست، لیکن در عالم واقع این جرم رخ داده است.

۲. با این حال باید در نظر داشت: در علم پزشکی رفتارهای ناشی از مصرف مسکر با توجه به میزان میلی گرم الکل در هر لیتر خون متفاوت است. (جداول پیوست مقاله بیانگر این مهم است)



خوشبختانه با بررسی مواد قانون مجازات اسلامی این نکته عیان است که مقنن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به درجه‌بندی مستی توجه کرده است.

به تصریح ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲ صرف نوشیدن مسکر ولو یک قطره موجب مجازات حد است. این ماده شامل مسلمان و غیرمسلمان (در صورت تظاهر به مصرف آن) می‌باشد؛ پس در وهله اول باید توجه داشت نگاه مقنن به مسکر عدم لزوم اثرگذاری آن بر خون است، لیکن نکته اخیر در رابطه با جرم ظاهرشدن در حال مستی در معابر و اماکن عمومی توسط غیرمسلمانان صدق نمی‌کند.

در قانون مزبور، مقنن با توجه به میزان الکحل در خون، مقنن سه حالت را پیش‌بینی کرده است:

۱. مست بودن؛ قانونگذار در ماده ۲۶۳ اذعان می‌دارد:

هرگاه متهم به سب، ادعا نماید که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهوی یا در حالت مستی یا غضب یا سبق لسان یا بدون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده است، سب النبى محسوب نمی‌شود.

۲. مسلوب‌الاختیار شدن ناشی از مصرف مسکر که در مواد ۱۵۴ و «۳۰۷»^۱ بدان توجه شده است و به ترتیب اذعان داشته است:

۱. ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: ارتکاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر، روانگردان و مانند آن‌ها، موجب قصاص است، مگر اینکه ثابت شود بر اثر مستی و عدم تعادل روانی، مرتکب به کلی مسلوب‌الاختیار بوده است که در این صورت، علاوه بر دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود، لیکن اگر ثابت شود که مرتکب قبلاً خود را برای چنین عملی مست کرده و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی ولو نوعاً موجب ارتکاب آن جنایت یا نظیر آن از جانب او می‌شود، جنایت، عمدی محسوب می‌گردد.



مستی و بی ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روانگردان و نظایر آن‌ها، مانع مجازات نیست، مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم به طور کلی مسلوب‌الاختیار بوده است... .

ارتکاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر، روانگردان و مانند آن‌ها، موجب قصاص است، مگر اینکه ثابت شود بر اثر مستی و عدم تعادل روانی، مرتکب به کلی مسلوب‌الاختیار بوده است که در این صورت، علاوه بر دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم می‌شود. لیکن اگر ثابت شود که مرتکب قبلاً خود را برای چنین عملی مست کرده و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی ولو نوعاً موجب ارتکاب آن جنایت یا نظیر آن از جانب او می‌شود، جنایت، عمدی محسوب می‌گردد.

۳. در حال مستی؛ که صرفاً مختص غیرمسلمانان است، حالتی بین مست شدن و مسلوب‌الاختیار شدن است، زیرا همان طور که در علم پزشکی نیز آمده است صرف مست شدن همیشه مشهود و منجر به بروز آن نمی‌شود و امکان دارد در گوشه‌گیری و کم‌حرفی فرد خود را نشان دهد که دو صفت اخیر همیشه دال بر مصرف الکل نیست و صرفاً با آزمایشات پزشکی معلوم می‌گردد، پس مستی همواره آشکار نیست.

به عبارت دیگر، تظاهر به مستی ظهور در بروز رفتار مشهود دارد. از این رو، اگر غیرمسلمان پس از مصرف الکل مبادرت به رانندگی کرده و در ایست بازرسی که از همه افراد در حال آزمایش الکل هستند، از وی نیز آزمایش گرفته شود، با اینکه دستگاه مصرف الکل را نشان می‌دهد، اما نمی‌توان طبق این ماده وی را تحت تعقیب کیفری قرار داد، زیرا ظاهرشدن در حال مستی در عرف، ناظر بر حالتی است که فرد اختیار خود را از دست داده و رفتارهای غیر متعارف از خود نشان دهد. با آنکه اگر همین مسئله در رابطه با مسلمانی رخ دهد، وی قطعاً به دلیل مصرف مسکر در صورت وجود دیگر شرایط به هشتاد ضربه تازیانه از باب حد محکوم خواهد شد.

نتیجه آنکه مقنن در قانون اسلامی ۱۳۹۲ به تأسیس جدیدی دست زده است و در بین حالات مستی و مسلوب‌الاختیار بودن حالت «در حال مستی» را نیز به عنوان



سازمانی جدید پذیرفته است. با وجود آنکه دسته‌بندی درجات مستی با قلمی زینده و آراسته نگارش نشده است، لیکن این نظام‌مندسازی، امری پسندیده و تا حدودی منطبق با علم پزشکی است.

۲.۳. معابر و اماکن عمومی

یکی دیگر از شرایط لازم برای وقوع این جرم، ارتکاب آن در معابر و اماکن عمومی است. مکان عمومی جایی است، مشترک بین مردم که ملک شخص یا اشخاص معینی نیست، به گونه‌ای که همگان در بهره‌وری از آن مساوی هستند (سبزواری، بی تا: ۲۳/۲۵۵)

عمده مصادیق این نظر را می‌توان در بند «۸»^۱ ماده ۱ آیین‌نامه قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات مصوب ۱۳۸۴ دید، لیکن این مقرر این ابهام را ایجاد می‌کند که آیا چنین اماکنی در همه زمان‌ها حتی بدون اجازه صاحبان و مقامات ذیصلاح هم مکان عمومی هستند؟

در این خصوص با توجه به نظریه مشورتی ۹۳/۹۲۵/۱۷/۷/۴/۹۳ که مکان عمومی را محل‌هایی دانسته است که مردم بدون نیاز به کسب اجازه از اشخاص خصوصی حق ورود به آن را دارند، باید گفت مکان‌هایی که منافع آن مختص به فرد خصوصی است اعم از اینکه اعیان آن متعلق به بخش خصوصی باشد یا با معامله‌ای مثل اجاره از بخش عمومی به فرد خصوصی انتقال یافته باشد، صرفاً در زمانی که عموم مردم اجازه ورود به آن مکان را دارند، عمومی تلقی می‌شود چرا که ورود به

۱. بند ۸ ماده ۱ آیین‌نامه قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات ۱۳۸۴: اماکن عمومی: محل‌هایی که مورد استفاده و مراجعه جمعی یا عموم مردم است از قبیل اماکن متبرکه دینی، بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، سالن‌های نمایش، سینماها، فضاهای عمومی مهمانخانه‌ها و مهمانسراها و میهمان‌پذیرها، خوراک‌سراها (رستوران‌ها)، قهوه‌خانه‌ها، کارخانجات، گنجینه‌ها (موزه‌ها)، پایانه‌های مسافری، فروشگاه‌های بزرگ، اماکن فرهنگی، اماکن ورزشی، کتابخانه‌های عمومی، مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی، وسایل نقلیه عمومی، مؤسسات و سازمان‌های دولتی و عمومی، نهادهای انقلاب اسلامی، بانکها و شهرداریها و هر نوع مرکز و محل جمعی دیگر.



این اماکن منوط به موافقت صاحبان خصوصی این منافع است، لذا حضور غیرمسلمان در حال مستی در هنگامی که آن اماکن بسته‌اند، جرم نخواهد بود. در این زمینه حتی اگر جواز حضور یا استفاده عموم مردم از منافع اماکن عمومی مانند اداره دولتی منوط به اجازه مقامات خاصی باشد، باید گفت این اماکن همه خصایص مکان عمومی یعنی قابلیت استفاده عمومی را ندارند، لذا جرم مورد بحث در ساعات غیر اداری و تعطیلی این اماکن، واقع نمی‌شود ولو اگر غیرمسلمانی خاصاً مجاز به ورود به این مکان عمومی باشد. با این حال؛ به نظر می‌رسد، ظاهرشدن غیرمسلمان در اماکن عمومی مختص غیرمسلمان مانند کلیسا و کنیسه ولو هنگامی که این مکان‌ها، باز هستند، جرم نیست؛ زیرا غالباً مسلمانان در آن‌جا حضور ندارند.

حضور غیرمسلمان در حال مستی ممکن است در معابر عمومی نیز واقع شود. معابر عمومی محل عبور و مرور عامه افراد جامعه است؛ مانند جاده یا خیابان. معبر عمومی با خالی شدن جمعیت، از معبر عمومی بودن خارج نمی‌شود، کما اینکه معبر خصوصی با ازدحام مردم در آن، به معبر عمومی تبدیل نمی‌شود، پس همان‌گونه که خیابانی در طول روز افراد زیادی در آن در حال رفت و آمد هستند، معبر عمومی است، کوچه‌های یک روستای خلوت نیز که در طول روز ممکن است یک نفر هم از آن عبور نکند، معبر عمومی می‌باشد. با این حال، به نظر می‌رسد، بسته‌شدن موقتی معبر عمومی مثلاً برای تعمیر و بازسازی آن را از وصف «عمومی» بودن خارج می‌کند. بنابراین اگر غیرمسلمان در حال مستی به خیابانی که به علت عملیات راه‌سازی داخل شدن به آن ممنوع است، وارد شود، جرم مزبور واقع نشده است.

یکی از چالش‌های مطروحه در رابطه با این جرم، محدوده معابر عمومی مذکور در «ماده» است و اینکه دامنه معابر عمومی را چگونه باید تفسیر کرد؟

شاید در وهله نخست این‌گونه برداشت شود که صرفاً معابر عمومی مسلمانان را مورد حمایت مقنن قرار گرفته است، لیکن قبول این تفسیر مناسب نیست، زیرا با این اتخاذ این رویکرد، اگر غیرمسلمان در محله ارمنی نشین در حال مستی ظاهر



شود نمی‌توان وی را تحت تعقیب قرار داد. اشکال این سخن آنجایی پدیدار می‌گردد که احتمالاً عبور مسلمانان نیز از این خیابان‌ها وجود دارد (به خلاف اماکن عمومی مختص غیرمسلمانان). بدین لحاظ، با وجود آنکه در جوامع گذشته کوچه‌ها و یا خیابان‌هایی وجود داشت که صرفاً غیرمسلمانان در آنجا سکونت داشتند و حتی مسلمانان از ورود به آن‌ها کراهت داشتند، اما امروزه با تغییر ملاک‌ها و معیارهای جوامع، به نظر نمی‌رسد انتخاب محل سکونت توسط مسلمان بر مبنای دین ساکنان آن محله باشد و احتمالاً قوی وجود دارد که پیروان ادیان مختلف در همسایگی هم زندگی نمایند؛ در نتیجه امروزه وجود معابر اختصاصی برای غیرمسلمان محل تردید است. از این رو ظاهر شدن در حال مستی در معابر عمومی که غالباً غیرمسلمانان در آنجا سکونت دارند نیز می‌تواند موجب تحقق جرم مورد بحث شود.

۳.۲. عنصر معنوی

برای آنکه بتوان مرتکب غیرمسلمان را با توجه به قوانین کیفری تحت تعقیب کیفری قرار داد، می‌بایست جدای از تحقق عنصر مادی به عنصر روانی وی یعنی علم حکمی و موضوعی، قصد و اراده وی نیز توجه شود و در صورت مخدوش بودن هر یک از آن‌ها نمی‌توان وی را مستحق کیفر دانست. به این معنا که بایستی نیت باطنی و خواست مجرمانه در غیرمسلمان وجود داشته باشد. (صادقی، ۱۳۸۷: ۱۰۵) در غیر این صورت، نمی‌توان مرتکب را تحت تعقیب کیفری قرار داد، زیرا در این صورت فعل و انفعالات ذهنی مجرمانه صورت نپذیرفته است.

۳.۲.۱. علم

ارتکاب عملی ممنوع زمانی مجرمانه تلقی گردیده و قابلیت سزادهی دارد که مرتکب نسبت به ممنوعیت قانونی عمل (علم حکمی) و نیز به اینکه اقدام ارتكابی او مصداق رفتار ممنوع است (علم موضوعی)، آگاهی و توجه داشته باشد. به جز این حالت، ترتب مجازات بر این شخص غیرقانونی و غیرمشروع است. به بیان دیگر

تا علم وجود نداشته باشد، تکلیف و مکلف، معنا نخواهد یافت، لذا مسئولیت کیفری فرع بر علم است. علم از دو جهت قابل بررسی می‌باشد:

۱. علم حکمی؛

۲. علم موضوعی.

در ادامه، هر یک از این دو بررسی شده است.

۲.۳.۱. علم حکمی

«علم حکمی» یعنی علم شخص به حکم رفتار ارتكابی در قانون؛ به این صورت که غیرمسلمان بداند، ظاهر شدن در حال مستی در اماکن و معابر عمومی با توجه به قوانین کیفری ایران جرم محسوب می‌شود. در این نوع علم، مرتکب شک و شبهه- ای در مورد اصل وجود حکم ندارد.

طبق قانون ایران، اصل بر آگاهی افراد از قوانین کیفری است. همان طور که در ماده «۱۵۵»^۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، جهل به حکم در وهله اول، مورد پذیرش قرار نگرفته است، مگر خلاف آن توسط متهم اثبات شود. در رهیافت اخیر، جهل به حکم، صرفاً چنانچه منطبق با زمینه‌های معقول و متعارف استوار باشد، عذر تلقی می‌شود، بنابراین اگر جهل یا اشتباه حکمی مرتکب، غیرعادی و نامعمول باشد، عذر به حساب نمی‌آید. (صبوری‌پور، ۱۳۹۴: ۷۰)

طبق این دیدگاه، بایستی هر پرونده جداگانه از دیگر پرونده‌ها بررسی شود. برای مثال در رابطه با ارتکاب جرم ظاهرشدن در حال مستی در معابر و اماکن عمومی توسط غیرمسلمان خارجی، چنانچه این رفتار در حین رانندگی فرد به منصفه ظهور برسد، بعید است که ادعای عدم جهل مورد پذیرش قرار گیرد، زیرا رانندگی در حال مستی در غالب کشورهای دنیا جرم‌انگاری شده است. در نتیجه قبول ادعا از جانب

۱. ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست، مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود.





مرتکب می‌تواند محل تردید و شک باشد. با این حال، اگر همین فرد نسبت به جرم-بودن پیاده‌روی در حال مستی، مدعی عدم جهل باشد، به نظر می‌توان ادعای وی را پذیرفت، زیرا تردد و ظاهر شدن در معابر و امکان عمومی در حال مستی بدون وسیله نقلیه، غالباً در قوانین دیگر کشورهای دنیا نیز، بزه‌انگاری نشده است، لذا بعید نیست که غیرمسلمان خارجی از حکم اخیر در حقوق ایران، آگاه نباشد.

باید توجه داشت در مواردی که غیرمسلمان احتمال می‌داده که به علت اسلامی بودن کشور ایران، قوانین آن نیز بر طبق شریعت تدوین شده است، ولی این علم نه تفصیلی و قطعی بلکه اجمالی بوده است، باید به این مسئله دقت کرد که آیا فرد در عدم آگاه‌سازی خود قصور داشته است یا تقصیر؟ یعنی می‌توانسته از خود رفع جهل کند و یا امکان آن مهیا نبوده است. جهل قصوری جهلی است که مکلف در شرایطی قرار بگیرد که امکان دسترسی او به آگاهی از احکام وجود نداشته باشد؛ مثل اینکه در جایی دور افتاده زندگی می‌کرده که نمی‌توانسته ارتباطی با مراکز علمی و دینی داشته باشد (فیض، ۱۳۸۵: ۳۱۱)، مانند غیرمسلمانی که در قطب جنوب زیسته است.

در مقابل، جهل تقصیری عبارت است از اینکه، جاهل قدرت بر تحصیل علم به احکام را دارد، ولی در اثر سهل‌انگاری به دنبال آن نرفته است. به عبارت دیگر شخصی می‌توانسته از قانون آگاهی یابد، ولی تقصیر می‌کند (بر وجه عمد و عدوان) و به دنبال آگاهی نمی‌رود. (امام خمینی، ۱۳۹۰: ۲/ ۴۵۶) مانند غیرمسلمانی که کم و بیش به زبان فارسی مسلط بوده است و یا یکی از بستگان وی در ایران اقامت داشته، لیکن جهل خود را از رفع نکرده است. به نظر می‌رسد در مورد اخیر تعقیب کیفری جاهل مقصر و متعاقباً مجازات وی، به خلاف جاهل قاصر دور از ذهن نباشد. با این حال، انتخاب یک ضابطه ثابت در این باره محل تردید بوده و باید ادعای هر شخص به طور جداگانه بررسی شود.

گونه دوم، «علم موضوعی» است. منظور از علم موضوعی یعنی آنکه شخص نه تنها به حکم قانون بلکه باید به موضوع جرم نیز علم داشته باشد. به عبارت دیگر مرتکب باید به تمام عناصر مادی آن علم داشته باشد. (شاکری و مرادی کندلانی، ۱۳۸۶: ۱۳۷) پس اگر مرتکب، قانون را بداند، ولی موضوع جرم را نداند یا برای وی مفهوم موضوع مجمل و مبهم است یا قلمرو مشمول موضوع روشن نباشد، نمی‌توان وی را مجرم دانست. (ساریخانی و کرمی گلباغی، ۱۳۸۹: ۶۰)

علم موضوعی در جرم مورد بحث، یعنی علم به این موضوع که مسکر درون لیوان وی را به حالت «در حال مستی» می‌رساند، لذا، در جایی که غیرمسلمان خارجی با تصور اینکه مسکرات در ایران «اصلی» می‌باشند، مبادرت به خرید یک آبجو می‌کند، با این سبقه ذهنی که به دلیل درصد پایین الکل موجود در آبجو، حتی او را مست نمی‌کند، لیکن بعد از مصرف، به دلیل تقلبی بودن آبجو وی به درجه در حال مستی برسد، در این حالت نمی‌توان وی را تحت تعقیب کیفری قرار داد، زیرا در این مورد، وی جاهل به موضوع بوده است و با وجود علم بر اینکه نوشیدن یک قوطی آبجو حتی وی را مست نمی‌کند، مبادرت به نوشیدن آن کرده است، لیکن به دلیل تقلبی بودن آن، دچار حالت مستی شده است.

سخن پیشین به مسئله‌ای که فرد می‌داند، مایع درون لیوان مسکر است اما نه می‌خواهد و نه احتمالاً می‌دهد که او را به حالت «در حال مستی» برساند، ولی اتفاقاً می‌رساند، تعمیم می‌یابد، زیرا در اینجا شخص بی‌احتیاطی کرده و نتیجه رفتار خود را نمی‌خواسته است، لیکن در جایی که غیرمسلمان می‌داند مایعی که می‌خواهد بنوشد مسکر است و احتمال آن را نیز می‌دهد که با نوشیدن آن به این حالت برسد و می‌رسد، در این مورد می‌توان وی را مجرم قلمداد کرد، زیرا او با وجود عدم قصد، بی‌پروایی کرده است.

بی‌پروایی در ذات خود متضمن این نکته است که شخص بی‌پروا به خطر آنچه که ممکن است از فعل وی نتیجه شود آگاهی دارد، اما نسبت به آن خطر بی‌توجهی





نشان می‌دهد. (ابدالی، ۱۳۸۹: ۳۰) بنابراین، تفاوت این رویکرد نسبت به مسائل پیشین، احتمال زیاد وقوع نتیجه از جانب مرتکب است.

۲.۳.۲. قصد

دومین جز از عنصر روانی، قصد مرتکب یا به تعبیری سوء نیت است. قصد بر دو نوع است: ۱. قصد عام و ۲. قصد خاص. در ادامه به هر کدام از آن‌ها به طور جداگانه پرداخته شده است.

۲.۳.۲.۱. قصد عام

«قصد عام» به معنای عزم و کوشش ارتکاب رفتار مجرمانه گفته می‌شود. (خدا کرمی، ۱۳۷۷: ۵۸) از این رو در صورت نبود چنین قصدی نمی‌توان شخص را مجرم دانست. قصد عام غیرمسلمان در این جرم؛ قصد ظاهرشدن در معابر و اماکن عمومی در حال مستی است. باید توجه داشت که قصد عام لزوماً باید نسبت به قلمرو کشور ایران باشد، پس اگر غیرمسلمانی در کشور خارجی، اقدام به نوشیدن مقدار زیادی مسکر کند، ولی اتفاقاً مسکر، آن زمان اثر نکرده و در قلمرو هوایی ایران اثر کرده و وی را به در حال مستی برساند، نمی‌توان شخص را مجرم دانست، چرا که قصد عام او مفقود است. البته باید توجه داشت اگر غیرمسلمان در کشور خارجی به قصد آنکه هنگام ورود به قلمرو ایران، الکل بر بدن وی تأثیر گذاشته و وی را به در حال مستی برساند، اقدام به مصرف مسکر کند، در این مورد می‌توان وی را طبق قوانین جزایی ایران تحت تعقیب قرار داد. در اینجا سؤالی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه آیا غیرمسلمان در قصد عام می‌بایست معبر و مکان عمومی را که می‌خواهد در آنجا حاضر شود، معلوم کند یا خیر؟ مثلاً آنکه وی بنخواهد فقط در پارکینگ عمومی متعلق به شهرداری ظاهر شود، ولی وی بعد از مصرف مسکر اشتبهاً در پارکینگ عمومی در خیابان دیگری حضور می‌یابد. در این حالت، استناد به این دلیل نمی‌تواند مبری‌کننده غیرمسلمان از مسئولیت کیفری باشد، چرا که مقنن صرفاً بر معابر و اماکن عمومی ایران نظر داشته است، پس ادعای چنین اشتباهی از جانب شخص مسموع نیست.



همچنین به نظر نمی‌رسد طرح این ادعا از جانب غیرمسلمان ولو خارجی در باره عدم شناخت معاشر و اماکن عمومی قابل قبول باشد چرا که معاشر و اماکن عمومی تعاریف مشخصی داشته و مربوط به یک کشور نمی‌باشد، مگر آنکه بعضی از اماکن عمومی در برخی از قوانین به طور خاص تصریح شده باشد و عرفاً نیز برای عموم مردم قابل شناخت نباشد که در این صورت ادعای عدم شناخت قابل پذیرش است، لذا پذیرش این ادعا از جانب غیرمسلمان که نمی‌دانسته یک خیابان خلوت در همه حال معبر عمومی است، مسموع نمی‌باشد مگر آنکه آن را اثبات کند.

۲.۲.۳.۲. قصد خاص

در برخی جرایم، علاوه بر سوء نیت عام، می‌بایست سوء نیت خاص یعنی قصد نتیجه‌ای خاص نیز وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت جرم تکوین نمی‌یابد. از جرایمی که تحقق آن نیاز به سوء نیت خاص دارد و در غیر این صورت نمی‌توان شخص را مستحق سزادهی دانست، تظاهر به مصرف مسکر توسط غیرمسلمان است، لیکن جرم ظاهرشدن غیرمسلمان در حال در معاشر و اماکن عمومی نیازی به وجود قصد خاص ندارد.

به عبارت دیگر، لزوماً فهماندن این موضوع به دیگران شرط ارتکاب این جرم نیست، پس اگر غیرمسلمان در حال مستی در مکان عمومی مانند پارک یا در ایستگاه مترو در حال مستی ظاهر شود، ولو آنکه نخواهد این موضوع را به دیگران بفهماند که در حال مستی است، جرم مورد بحث اتفاق افتاده است، حتی اگر شهروندی وی را نبیند، زیرا حضور شخص در حال مستی می‌تواند منجر به نتایجی همچون تقلیل امنیت جانی و روانی شهروندان چه مسلمان و چه غیرمسلمان گردد. در نتیجه قصد خاصی نمی‌توان برای این جرم متصور بود، همان‌طور که چنین رفتاری (حضور شخص در حال مستی در معاشر و اماکن عمومی) در بسیاری از کشورهای غیرمسلمان که نوشیدن مشروب در آن‌ها آزاد است، جرم می‌باشد.

علم و آگاهی فاعل به تحریم های قانونی و نیز کیفیت و ماهیت و اوصاف رفتار اگر چنانچه با اراده ارتکاب توأم نباشد به تنهایی بی تأثیر است. عمد متضمن این است که با وجود آگاهی، فاعل عزم کاری کند که دقیقاً قانونگذار ارتکاب آن را جایز ندانسته است؛ به عبارتی اراده ارتکاب همان خواستن فعل یا ترک فعل است. (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۳۳۹) لذا می توان گفت: «اراده پس از قصد به وجود می آید». (غروی، ۱۳۷۸: ۱۰۱)

به عبارتی ممکن است فرد، قصد ظاهر شدن در حال مستی در معابر و اماکن را داشته باشد، لیکن اراده وی تحت تاثیر عوامل بیرونی و عوامل درونی قرار گرفته باشد. در این حالت، نمی توان غیرمسلمان را معجزات کرد، زیرا عنصر روانی وی متزلزل است.

یکی از مسائل مورد تأمل در رابطه با اراده، اراده افراد معتاد به الکل یا الکلیست می باشد. الکلیسم یک بیماری مزمن، پیش رونده و گاه مهلک است. الکلیسم به خودی خود، نوعی بی نظمی است و نشان از بیماری ها و مشکلات روحی دیگر نیست. ساختار شیمیایی الکل به آن، این امکان را می دهد که هر نوع سلول زنده آدمی از جمله، سلول های مرکزی سیستم عصبی را تحت تأثیر قرار دهد.

مشروبات الکلی بر مرکز مسئول رسیدگی به احساسات مغز تأثیر می گذارد و مغز در اثر زمان طولانی برخورد با الکل با تغییراتی که الکل ایجاد می کند، انطباق می یابد و به آن وابسته می شود. بر این مبنا، برای دائم الخمرها، الکل واسطه ای است که آن ها از طریق آن می توانند با مردم، کارشان و زندگی ارتباط برقرار کنند. الکل بر تفکر آن ها سلطه می یابد و احساسات و فعالیت های آن ها را متأثر می سازد. الکلیست ها کنترلی بر میزان و دفعات نوشیدن خود ندارند. مشغولیت ذهنی آن ها معمولاً نوشیدن الکل است و اعتیاد خود را نادیده می گیرند. (گروه پزشکی مدرسه هاروارد و بیمارستان ماساچوست: ۱۳۸۳: ۶۳) بنابراین اراده فرد الکلی اگر در بازه مدت مصرف زائل نشده نباشد، لاًقل مخدوش شده است. در نتیجه، شکل گیری عنصر روانی وی محل شبهه است. پس باید با او به مانند بیماری که نیاز به



مراقبت و درمان دارد، برخورد کرد. همان طور که عنصر روانی فرد مضطر، مجبور و مکره محل تردید است، لذا در این موارد بهتر است طبق قاعده درأ ماده مقرر در ماده «۱۲۰»^۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجازات آن‌ها ساقط شود.

۳. مجازات ظاهرشدن غیرمسلمان در حال مستی در معابر و اماکن عمومی در سیاست کیفری ایران

یکی از نکات قابل درنگ در رابطه با مجازات جرم مورد بحث در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، برگزینی مجازات تعزیری برای آن است، چرا که برخی در رابطه با حدی بودن کیفر این جرم ادعای اجماع کرده‌اند. (فتحی، ۱۳۹۶: ۱۴۶)

با آنکه سخن اخیر، محل تردید است (گنجینه استفتائات قضائی، (بی تا): سؤال ۹۰۷۶)؛ لیکن، نکته مشخص، دیدگاه مشهور فقهای شیعه نسبت به حدی بودن کیفر این بزه است. به غیر از این جرم، تدقیق در برخی دیگر از مواد کتاب حدود قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و مقایسه آن با قانون ۱۳۷۰ این نکته را روشن می‌کند که مقنن در برخی دیگر از مواد این باب، از موضع قبلی خود عقب‌نشینی کرده و به تقلیل‌گرایی در اجرای مجازات‌های حدی روی آورده است. وی برای نیل به این راهبرد، به فتاوی غیر مشهور فقهای امامیه رجوع کرده است. برای نمونه، با وضع تبصره «۲»^۲ ماده ۲۷۸ امکان توبه سارقی را که به دلیل ارتکاب سرقت حدی به حبس ابد محکوم شده است، فراهم کرده است. (مفید، ۱۴۱۰: ۸۰۲)

۱. هر گاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هریک از شرایط مسؤلیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.
 ۲. تبصره ۲ ماده ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: درمورد بند(پ) این ماده و سایر حبس‌هایی که مشمول عنوان تعزیر نیست هرگاه مرتکب حین اجرای مجازات توبه نماید و مقام رهبری آزادی او را مصلحت بداند با عفو ایشان از حبس آزاد می‌شود. همچنین مقام رهبری می‌تواند مجازات او را به مجازات تعزیری دیگری تبدیل نماید.



همچنین حذف ماده «۸۴»^۱ قانون ۱۳۷۰ و کاهش مجازات پیرمرد و پیرزنی محصنی که مرتکب زنا شده‌اند، نمونه دیگری از این سیاست است. به علاوه، تغییر ماده «۱۳۸»^۲ قانون ۱۳۷۰ و کاهش مجازات قواد نسبت به قانون سابق، می‌تواند از دیگر مصادیق این کمینه‌گرایی باشد. بدین شرح که قانون سابق مجازات کسی را که در بار اول مرتکب جرم قوادی می‌شد، شلاق و تبعید معین کرده بود، لیکن ماده «۲۴۳»^۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجازات تبعید را برای ارتکاب قوادی در مرتبه دوم معین کرده است.

افزون بر این، بر مبنای فتوای برخی از فقهای شیعه (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۳۵۲)، امکان تغییر و تبدیل مجازات رجم را در ماده «۲۲۵»^۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است.

این سخن قابل پذیرش است که مقنن در کمیت مجازات‌های حدی پیش‌روی کرده است؛ برای مثال جرایم ساب‌النبی و بغی را در زمره حدود برشمرده و یا دست به تفکیک جرایم محاربه از افساد فی الارض زده است، اما در کیفیت مجازات‌های حدی دست به پس‌روی زده است.

به نظر نگارندگان، مقنن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، با توجه به فتاوی غیرمشهور فقهای امامیه راهی را در پیش گرفته است که بتواند با کمک از آن‌ها و در

۱. ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰: بر پیرمرد یا پیرزن زانی که دارای شرایط احصان باشند قبل از رجم، حد ج جاری می‌شود.

۲. ماده ۱۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰: حد قوادی برای مرد هفتاد و پنج تازیانه و تبعید از محل به مدت ۳ ماه تا یک سال است و برای زن فقط هفتاد و پنج تازیانه است.

۳. ماده ۲۴۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: حد قوادی برای مرد ۷۵ ضربه شلاق است و برای بار دوم علاوه بر ۷۵ ضربه شلاق به عنوان حد، به تبعید تا یک سال نیز محکوم می‌شود که مدت آن را قاضی مشخص می‌کند و برای زن فقط ۷۵ ضربه شلاق است.

۴. ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. در صورت عدم اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد.



چارچوب عمل به اصل «۴»^۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یعنی، لزوم انطباق قوانین با شریعت، اجرای مجازات‌های حدی را در چارچوب مکتوبات فقهی کاهش دهد.^۲

کاربست سیاست کاهش اجرای مجازات‌های حدی، در آن واحد دو کارکرد دارد؛ اولاً منجر به آن می‌شود که حکومت‌های اسلامی همان گونه که در طول تاریخ از سختی‌ها و ناملاپتمی‌های متعدد به سلامت عبور کردند، بستر تعامل با واقعیت‌های جهان معاصر مانند سازمان‌های حقوق بشری بین‌المللی را فراهم سازند. دوماً قوانین مزبور در چارچوب مکتوبات فقهی بوده و متخذ از داده‌های برون‌فقهی نمی‌باشد، لذا وجهه دینی آن حفظ شده است.

نتیجه‌گیری

یکی از جرایم نوپیدا در نظام عدالت کیفری ایران، جرم «ظاهرشدن در حال مستی در معابر و اماکن عمومی» است. پژوهش پیش‌رو به این نتیجه رسید که سیاست کیفری افتراقی در رابطه با مصرف مسکر توسط غیرمسلمانان نسبت به ارتکاب این رفتار توسط مسلمانان، جلوه‌ای از توجه ویژه شارع مقدس به حقوق اقلیت‌ها و هنجارهای فرهنگی ایشان در سرزمین اسلامی است. همچنان که جرم-انگاری و رفتار «تظاهر به مصرف مسکر» و نیز «ظاهرشدن در حال مستی در معابر و اماکن عمومی» نمودی از جلوگیری از برهم خوردن نظم و امنیت اجتماعی سرزمین اسلامی و نیز رعایت حقوق مسلمانان و دیگر غیرمسلمانانی است که مرتکب چنین رفتارهایی نمی‌شوند.

۱. کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقها شورای نگهبان است.

۲. برای مطالعه بیشتر درباره ضرورت کاهش اجرای مجازات‌های حدی در جهان معاصر، ر.ک: مالدار، محمدحسن، «بررسی لزوم به کارگیری سیاست کاهش اجرای مجازات‌های حدی؛ راهکارهای فقه امامیه برای دستیابی به آن»، مجله مطالعات فقه امامیه، ۱۳۹۷.



به اعتقاد نگارندگان، به کار گیری عبارت «در حال مستی» در رابطه با این جرم، از سوی قانونگذار عامدانه بوده است؛ به این معنا که وی، درصدد تبیین نظامی جدید در رابطه با درجه بندی مصرف مشروبات الکلی است. حالت «در حال مستی» یا همان «مستی آشکار»، حالتی بین «مست بودن» و «مسلوب الاختیار» بودن است. با توجه به یافته های علوم پزشکی برای تحقق چنین حالتی حداقل نیاز به وجود ۱۵ گرم الکل در بدن است، چرا که در پایین تر از این میزان، غالباً مستی فرد بروز نمی یابد، لذا غیر مسلمانی که پس از مصرف مسکر و بدون مستی مشهود به خیابان آمده، با توجه به این ماده قابل مجازات نیست، لیکن ممکن است این فرد با توجه به دیگر مواد قوانین موضوعه مانند ماده «۶۱۸»^۱ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ که چه بسا در آن ها، مجازات سنگین تری نیز برای مرتکب در نظر گرفته شده است، مورد تعقیب کیفری قرار گیرد.

با این حال اگر فرد «در حال مستی» در معابر و اماکن عمومی ظاهر شد، نیازی به دیده شدن توسط دیگری وجود ندارد. به این معنا که در عالم ثبوت جرم محقق شده است، ولو آنکه به دلیل عدم مشاهده وی توسط فردی، جرم وی کشف نشود. بنابراین جرم مذکور را می توان، به خلاف جرم «تظاهر به مصرف مسکر»، جرمی مطلق دانست که محض حضور غیرمسلمان در معبر و یا مکانی عمومی بزه مذکور تحقق می یابد.

مجازات این جرم در قانون ایران، مهم و قابل تحلیل است. مقنن برای مرتکب جرم مورد بحث، مجازات ارتکاب عمل حرام (موضوع ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵) را تعیین کرده است.

برگزینی کیفر تعزیری برای جرمی که به اعتقاد مشهور فقها، کیفر آن از باب حدود است، اقدامی آگاهانه و بخردانه در راستای کاهش اجرای کیفرهای حدی است. به

۱. هر کس با هیاهو و جنجال یا حرکات غیر متعارف یا تعرض به افراد موجب اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار باز دارد به حبس از سه ماه تا یک سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

این صورت که مقنن با انتخاب فتاوی غیر مشهور فقهای امامیه در باب حدود مانند مجازات تعزیری برای این جرم و یا تبدیل پذیری کیفر رجم، هم به اصل ۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مبنی بر لزوم انطباق قوانین با شریعت اسلام عمل کرده و هم در صدد جلوگیری از پیامدهای اجرای حدود در عصر حاضر مانند فشار سازمان‌های حقوق بشری است، لذا پیش‌بینی می‌شود در قوانین بعدی، اتخاذ چنین سیاستی، محسوس‌تر از قانون فعلی باشد.

منابع و مأخذ:

- ابدالی، مهرداد (۱۳۸۹)، «بررسی جایگاه عنصر معنوی در مسئولیت مدنی با رویکرد تطبیقی»، مجله مطالعات حقوق شیراز، دوره دوم، ش ۱، ص ۶۰-۲۷.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی، ج ۳، تهران: نشر میزان.
- اردبیلی نجفی، احمد بن محمد (مقدس اردبیلی) (بی‌تا)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ج ۸، بی‌جا: موسسه نشر الاسلامی
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۱). وسائل الشیعه، ج ۲۸، قم: [بی‌نا].
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۰)، إرشاد الأذهان الی احکام الإیمان، ج ۱، چ ۱، قم: موسسه نشر اسلامی.
- حمزه طوسی، محمد بن علی (۱۴۰۸)، الوسيلة الی نیل الفضیل، ج ۱، چ ۲، قم: چاپ خیام.
- خدا کرمی، نبی (۱۳۷۷)، «تجزیه و تحلیل مفهوم عنصر روانی جرم»، مجله دیدگاه‌های حقوق قضائی، ش ۱۰ و ۱۱، ص ۷۰-۴۲.
- ساریخانی، عادل و داوود کرمی گلباغی (۱۳۸۹)، «تأثیر جهل حکمی بر مسئولیت کیفری از منظر فقه امامیه»، مجله مطالعات حقوقی، دوره دوم، ش ۲، ص ۵۷-۸۲.
- سبزواری، سید عبدالعلی (بی‌تا)، مهذب الاحکام فی بیان حلال و الحرام، ج ۱۵ و ۲۳، قم: دار التفسیر.





- شاکری، ابوالحسن و محمدحسن مالدار (۱۳۹۶)، جرایم ناشی از مصرف الکل توسط گردشگران خارجی غیرمسلمان در حقوق ایران، مجله برنامه ریزی و توسعه گردشگری، س ۶، ش ۲۳، ص ۱۵۴-۱۳۷.
- شاکری، ابوالحسن و اسفندیار مرادی کندلاتی (۱۳۸۶)، «بررسی رکن روانی قتل عمد با کار نوعاً کشنده»، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، ش ۵، ص ۱۴۶-۱۳۵.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان بغدادی (۱۴۱۰)، المقنعه، قم، موسسه نشر اسلامی.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۸۷)، جرایم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان.
- صبوری پور، مهدی (۱۳۹۴)، «رفع مسئولیت کیفری بر اثر جهل حکمی»، پژوهش حقوق کیفری، س ۳، ش ۱۰، ص ۸۷-۶۵.
- طوسی، ابوجعفر محمدحسن (۱۳۹۰ق)، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، ج ۴، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
- علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۸۵)، حقوق جنایی، ج ۱، چ ۴، تهران: انتشارات فردوسی.
- غروی‌ان، محسن (۱۳۸۷)، «کاوشی درباره نیت»، مجله معرفت، بهمن و اسفند، ص ۱۰۵-۱۰۰.
- فتحی، حجت‌الله (۱۳۹۶)، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: حدود (مواد ۲۴۲ تا ۲۸۸)، زیر نظر آیت الله شاهرودی، ج ۲، قم: موسسه دایره المعارف فقه اسلامی.
- گروه پزشکی مدرسه هاروارد و بیمارستان ماساچوست (۱۳۸۳)، «مشکل جدی الکلیسم»، مجله سیاحت غرب، ش ۱۱، ص ۶۸-۶۲.
- گنجینه استفتانات قضایی (بی تا)، مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضائیه.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۲)، مباحثی از: اصول فقه، ج ۱، مرکز نشر علوم اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۹۱)، فرهنگ لغت فارسی، چ ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، مجموعه آثار، ج ۱۷، قم: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷)، استفتانات جدید، ج ۱، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۷)، مناہج الوصول الی علم الاصول، ج ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

— _____ (۱۳۹۰ق)، تحریر الوسيله (کتاب الحدود)، ج ۲، قم: مکتبه العلمیه الاسلامیه.

After deployment (۲۰۱۰), just the facts: Alcohol and –
Alcohol Concentration Worksheet, Drugs

Afterdeployment.org.

https:// / www.arrivealive.co.za/ document/ –
classification.pdf

The Alcohol Advisory Council of New –
Zealand (ALAC) (۲۰۱۲), Alcohol the Body & Effects A

brief overview, www.Alac.org.nz

— خواستگاه «اسلام هراسی» یا «اسلام ستیزی» (۱۳۹۵) Rishenews

http:// www.rishenews.com/ news/ ۲۶۷۵۵ / غریبی

جداول پیوست

(The Alcohol Advisory Council of New Zealand, ۲۰۱۲: ۶)

غلظت الکل در خون	اثرات
۰/۱۲ گرم	افرادی که عادت به نوشیدن مسکرات سبک دارند ممکن است احساس آرامش و گرمی داشته باشند.
۰/۱۴ گرم	اکثر مردم احساس آرامش و خوش مشربی کرده و شروع به پر حرفی می کنند.
۰/۱۵ گرم	آرامش قطعی؛ بسیاری از مردم در این مرحله مهربان می شوند، توانایی های رانندگی در این مرحله دچار اختلال شده و کاهش می یابند.
۰/۱۶ گرم	تصمیم گیری و رانندگی تا حدی دچار اختلال می شود.
۰/۱۸ گرم	تصمیم گیری و رانندگی مختل شده
۱۰ گرم	در بیشتر ایالت ها (آمریکا)، صرفاً در صورت وجود این مقدار از الکل در خون، راننده مست نامیده می شود (اگر الکل در خون راننده به این مقدار برسد، وی مجرم تلقی می شود).
۱۵-۱۲ گرم	احتمالاً استفراغ، خواب آلودگی، کاهش هوش هیجانی، اختلال حافظه و ادراک و کاهش بینایی
۱۵ گرم	مستی آشکار (حالت در حال مستی)، گیجی، هذیان گوئی، رفتار غیر منطقی و غیر عقلانی/ معادل نیم لیتر ویسکی در جریان خون
۲۵-۵۰ گرم	بسیار مست؛ ممکن است هوشتیاری خود را از دست بدهد.
۳۰ تا ۵۰ گرم	۳۷ گرم و بالاتر احتمالاً مرگ وجود دارد؛ ۴۵ گرم و بالاتر برای تمامی افراد مرگبار است



(After deployment, ۲۰۱۰: ۲)

علاطم	غلظت الكل در خون
ببرخی از اختلالات در هماهنگی حرکت و توانایی تفکر، آرامش طلبی	۵۰ میلی گرم
تعبیر خلق و خوی (افزایش خورشحالی یا ناراحتی)، احساس صمیمیت، گوشه‌گیری، تمایل به بحث و جدل، اختلال در تمرکز و تصمیم	۵۰-۱۵۰ میلی گرم
لیکنت زبان، راه رفتن غیر معمول، حالت تهوع، دو بینی، افزایش ضربان قلب، خواب آلودگی، تغییر حالت، شخصیت، رفتار که ممکن است غیرمنتظره، خشمناک و مخالف اصول اجتماعی باشد. (پروژه رفتارهای مستانه)	۱۵۰-۲۵۰ میلی گرم
بی توجه (به محیط افراد) و به شدت خواب آلود، هزیان گویی، اختلال حافظه، استفراغ، اختلال در تنفس	۳۰۰ میلی گرم
تنفس آهسته، کم عمق یا متوقف می‌شود، کما، مرگ	۴۰۰ م. گرم یا بیشتر

(Arrivealive, No date, ۱)

م.غ. الكل در خون در هر ۱۰۰ م. گرم خون	شخص عادی	الکلیسم
۰/۰۵ تا ۰/۰۰	هوشیار	هوشیار
۰/۰۶ تا ۰/۰۹	خفیف	هوشیار
۰/۱۰ تا ۰/۱۵	ملازم	خفیف
۰/۱۶ تا ۰/۲۰	قوی	ملازم
۰/۲۱ تا ۰/۲۵	قوی- بسیار قوی	ملازم- قوی
۰/۲۶ تا ۰/۳۰	بسیار قوی	قوی- بسیار قوی
۰/۳۱ تا ۰/۴۰	گیجی- کما	بسیار قوی- گیجی
۰/۴۱ تا ۰/۵۰	کما- مرگ	کما- مرگ

